

## صبح ایران

## قهرمان امروز سینما

کارگردان فیلم «پیشمرگ» در گفت وگو با «جام جم» معتقد است ما زیاد به سمت یأس، ناامیدی و خمودگی رفته‌ایم ولی باید به سینمایی بپردازیم که قهرمان دارد

## جهان این‌گونه نخواهد ماند!

دکتر رضا آراسته جوان می‌گوید باور به مهدویت می‌تواند به ما انگیزه دهد تا در مسیر درست حرکت کنیم

## شور و شوق سراسری

با نگاهی به ویژه‌نامه‌های شبکه‌های استانی در دهه فجر، خاطرات دوران انقلاب را مرور کردیم



## صدا و سیما صدای مردم است

دکتر جلیلی در سفر به مهاباد، ضمن افتتاح چند طرح با گروه‌های مختلف دیدار کرد



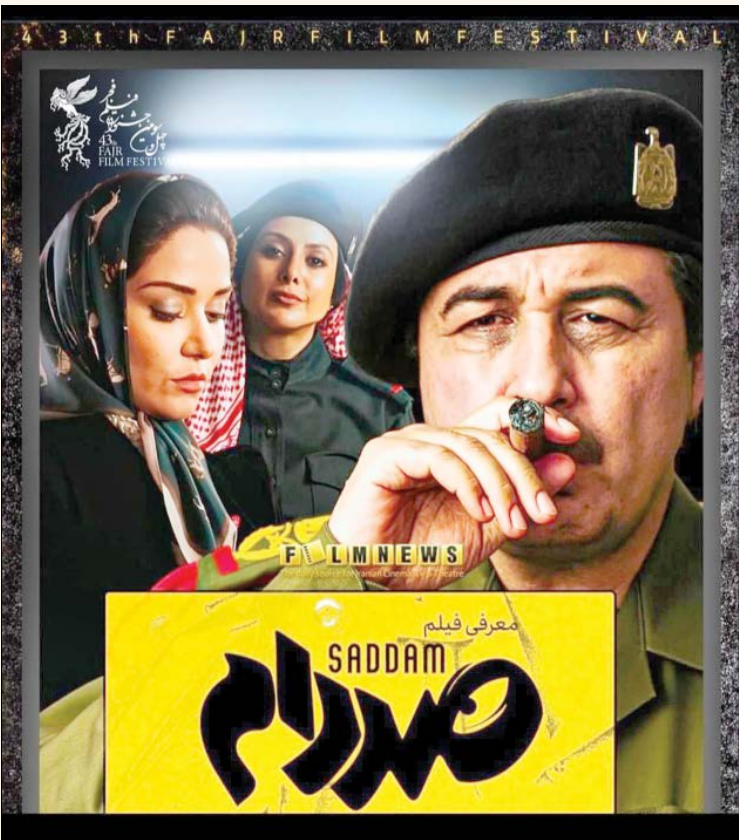
## یک شگفتانه در جشنواره

جشنواره امسال، در انبوه فیلم‌های متوسط وضعیفی که اغلب با بودجه‌های هنگفت دولتی ساخته شده‌اند، فیلمی که شگفتانه محسوب شود، خیلی کم داشته است. در این میان «شوهر ستاره» با بازی درخشان فریبا نادری یک استثناست، یک شگفتانه و فیلمی سرپا که همه چیزش به اندازه است. فیلم برخلاف بسیاری از فیلم‌هایی که با ادعای دفاع از حقوق زنان ساخته می‌شوند و بیشتر به یک بیانیه می‌مانند تا فیلم، از حقوق پایمال شده و جوانی هدر رفته یک زن سخن می‌گوید اما بدون شعار سعی می‌کند قصه‌ای درست برای روایت آن پیدا کند. ستاره، قهرمان اصلی داستان زنی است که ستاره اقبالش افول کرده است و مقصر اصلی این شویختی شوهر اوست که حتی بعد از مرگ نیز، فریبکاری و دروغش، در زندگی ستاره نقش دارد. ستاره، هنگامی که واقعیت دروغی را که شوهرش به او گفته است، می‌فهمد؛ اندک اندک به دنبال گرفتن حق خود از زندگی برمی‌آید. او زنی است که بدون آن که رفتارهایش را با تظاهرات بیرونی بروز دهد، سکانس‌هایی که نیاز به حجم زیادی از بازیگران و عوامل می‌شود و به فردی کنشگر تبدیل می‌شود که تغییر سرنوشت خود را خود رقم می‌زند. در باورپذیرکردن این نقش، بازی بازیگر اصلی فیلم یعنی فریبا نادری نقش مهمی داشته است. این فیلم همه توانمندی‌های بازیگری او را به خوبی عیان کرده است و او با انرژی و حوصله نقشی را از خود به یادگار گذاشته است که بی‌اغراق یکی از بهترین بازی‌های جشنواره امسال است و از همین حالا می‌توان انتظار داشت او در کنار میریلا زارعی برای موسی کلیم... و رؤیا افشار برای اشک هور از نامزد های اصلی سیمیرغ بهترین بازیگر نقش اول زن باشد. ابراهیم ایرج زاده، کارگردان فیلم با آگاهی از سقف توانایی‌های کارگردانی خود، هوشمندانه سعی کرده است از به چالش کشیدن خود و فیلمش در سکانس‌هایی که نیاز به حجم زیادی از بازیگران و عوامل دارد، خودداری کند. او به جای درگیر کردن خود در ساختن فیلمی شلوغ و پرکار، به جزئیات دقت کرده است و به همین دلیل فیلم نکته‌های ریز و جذابی دارد که به کمک داستان اصلی آمده‌اند. «شوهر ستاره» می‌توانست فیلمی تلخ، شعاری و رو باشد اما در این فیلم، همه چیز به اندازه است و کارگردان به جای فریاد زدن پیام‌های اجتماعی و اخلاقی سعی کرده است قصه‌ای را به خوبی روایت کند و البته در این کار نیز تا حد زیادی موفق بوده است.

آرش شفاعی  
گروه فرهنگ و هنر

## نگاهی به فیلم حاضر در جشنواره فیلم فجر

## کم‌توجهی «صددام» به غرور ملی



نمی‌تواند عکس‌العملی متقابل داشته باشد اما بار دوم که شاهد سیلی صدام به صلاح بر پرده سینما هستیم، منطق روایت، ساخت فیلمی است از سرنوشت صلاح بر پرده سینمای ایران. چرا باید صلاح در فیلم ساخته شده در این اثر باز هم از صدام سیلی بخورد؟ رضا عطاران به شهادت آثار موفق که در کارنامه دارد، از فیلمسازان باهوش است. او چرایی‌ها را بسیار هوشمندانه در فیلم‌ها طراحی می‌کند. انتظار می‌رفت مدیریت کرده و بتواند بعد از سیلی قه‌ری‌ای که از صدام می‌خورد، در نسخه سینمایی این بار این صلاح باشد که سیلی را نثار صدام می‌کند. باتوجه به گیشه‌محور بودن این اثر، امیدوارم دست‌اندرکاران تدبیری بیندیشند که در نسخه اصلاحی، این مهم به دقت بررسی شده و برطرف گردد.

نمونه کاملی از نمایش غرور ملی در عرصه بین‌الملل بود. در پرویزخان ایران عزتمندانه تلاش کرد و حتی اگر که در پایان شاهد باخت تیم ملی ایران می‌بودیم، بنابر جمله مشهور؛ چیزی از ارزش‌های مان کم نمی‌شد. حال، در صددام سکاسی داریم که دو بار به تصویر درمی‌آید. سکاسی آزادی صلاح از سلول و ورود صدام به زندان. در این سکاسی در مواجهه صدام با صلاح، برای خلق موقعیت کم‌دی، صلاح خیلی سریع بشکن می‌زند که مثلاً صدام را در لحظه بترساند و در عوض صدام کشیده‌ای را نثار صلاح می‌کند. بار اول که این سکاس به نمایش درمی‌آید، موقعیت قه‌ری است. چرا که در روایت با موقعیتی واقعی از آزادسازی صلاح روبه‌رو هستیم و از آنجاکه صلاح در چمبره دشمن است،

خط داستانی صددام درست است. حتی بازی‌ها را هم می‌توان پذیرفت اما سؤال من از نویسنده، کارگردان و جناب عطاران این است که وقتی دست بر سوه‌ای گذاشته‌اید که با «غرور ملی» ایران عجین است، چطور می‌توان به جزئیات منتهی به حفظ این سرمایه که بهای بزرگی برای آن در هشت سال پرداخته شده، توجه نکرد؟ تاکید می‌کنم روی صحبت بر شوخی‌های صرفا کلامی و جلف فت‌و فراوان فیلم نیست. حتی در گامی فراتر، سؤال‌ام کم‌مایگی پاسخگویی کارگردان در نشست خبری و بسنده کردن به خندیدن نیست. از غرور ملی صحبت می‌کنم که در استناد به نمونه‌ای از فیلم‌های حاضر در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر نمونه دقیق و درستی از آن را دیده‌ایم. سال گذشته پرویزخان،

«صددام» زیر سایه بازیگر، کارگردان و نویسنده بنام کم‌دی ایران، رضا عطاران است. وقتی نام عطاران در کنار اثری آورده می‌شود، مخاطبان سینما و تلویزیون آثاری را به یاد

خواهند آورد که در وهله اول موید استعداد وی است. هرچند در اثر مذکور، عطاران فقط عنوان بازیگر دارد و در نشست خبری فیلم در کاخ جشنواره، گفته که نیامده سوالی را پاسخ دهد و صرفاً می‌تواند بله و خیر بگوید. البته این را هم باید در امتداد همین هوشمندی سنجید.

صددام روایت فردی با اسالت ایرانی- عراقی است که به دلیل شباهت به صدام، تبدیل به بدل او شده. این اثر به درستی تاریخ روایت داستان را در برهه شروع حمله به ایران روایت کرده. صدام، رئیس جمهور وقت عراق در صحبت‌های ابتدای جنگ وعده داده هفت‌روزه تهران را تصاحب خواهد کرد و حالا صلاح، بدل صدام باید ظرف این مدت به تهران آمده تا بتواند فیلمی از سخنرانی در میدان آزادی تهیه کند.

خط داستانی صددام درست است. حتی بازی‌ها را هم می‌توان پذیرفت اما سؤال من از نویسنده، کارگردان و جناب عطاران این است که وقتی دست بر سوه‌ای گذاشته‌اید که با «غرور ملی» ایران عجین است، چطور می‌توان به جزئیات منتهی به حفظ این سرمایه که بهای بزرگی برای آن در هشت سال پرداخته شده، توجه نکرد؟ تاکید می‌کنم روی صحبت بر شوخی‌های صرفا کلامی و جلف فت‌و فراوان فیلم نیست. حتی در گامی فراتر، سؤال‌ام کم‌مایگی پاسخگویی کارگردان در نشست خبری و بسنده کردن به خندیدن نیست. از غرور ملی صحبت می‌کنم که در استناد به نمونه‌ای از فیلم‌های حاضر در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر نمونه دقیق و درستی از آن را دیده‌ایم. سال گذشته پرویزخان،

زهرا عیاسی  
گروه رسانه

## به «صادرات فرهنگ» چه نمره‌ای بدهیم؟!

ما- بخوایم یا نخواهیم- در جهان متغیرها زندگی می‌کنیم، ارزش‌ها و فرآورده‌های مختلف و گوناگون فرهنگی، اجتماعی را می‌پذیریم، خودمان هم گاهی این نقش را برای دیگران ایفا می‌کنیم، مثلاً ممکن است فکر، ایده، مد، سلیقه، نگرش خاص یا حتی نوعی رفتار از طرف ما یا نسبت داده شده به ما به خطه‌ای دیگر، قومی و قبیله‌ای دیگر یا حتی به سرزمینی دیگر صادر و تبلیغ شود.

وقتی می‌گوییم «فرهنگ» یعنی دقیقاً زیربنای ساخت یک اجتماع و سرزمین. بزرگان گفته‌اند فرهنگ، از بزرگ‌ترین نیازهای انسان و موتور محرکه نشاط و زندگی در جوامع بشری است. دستیابی به فرهنگ به مفهوم اخص کلمه و سلامت آن، حتماً در توسعه اقتصادی، انسانی، اجتماعی و اخلاقی ایفای نقش می‌کند، به طوری که این نقش و تأثیرگذاری حتی از دید معمولی‌ترین شهروندان هم پنهان نخواهد ماند.

در این میان، زبان‌ها، گویش‌ها، نگاره‌ها و نوشته‌ها هم اهمیت پیدا می‌کنند و خودشان ابزار انتقال و صدور فرهنگی محسوب می‌شوند. آیا تا امروز، اصلاً به این موضوع فکر کرده‌ایم که در جهان رنگارنگ امروز، چه کاره هستیم؟! تأثیرگذاری یا تأثیرپذیر؟ ظاهر نمای‌ها و تلون‌های خیره‌کننده، می‌تواند یا توانسته ما را به سمت‌هایی از پیش طراحی شده ببرد؟! یا این‌که ما نتوانسته‌ایم یا اراده آن را داریم که جاذبه‌های فرهنگی خودمان را به صحنه ملی و حتی بین‌المللی بیاوریم و بتوانیم با غرور خالص ایرانی‌مان، از صادرات فرهنگی حرف بزنیم؟! این که گبه، فرش، زعفران و پسته و خیلی از صنایع و محصولات وطنی ما هنوز هم مشتری‌های ویژه خودش را در دنیا دارد به جای خودش؟! اما برای عرضه و تبلیغ فرآورده‌های هنری، فکری و ادبی‌مان تا حالا آستینی بالا زده‌ایم یا نه؟! امکانات خود را برای این امر- که خیلی هم مهم است- از زیبایی کرده‌ایم؟! آیا تا به حال دولت‌ها با این نگاه، به‌گزینش سفیران و رایزن‌های فرهنگی کشورمان در دیگر ممالک و سرزمین‌ها، پرداخته‌اند یا...؟! نمره ما در این زمینه چند است؟!

شوربختانه عمده پاسخ‌ها منفی و عاری از دلگرمی است! در طول این سال‌ها مساله «مهم‌ویت فرهنگ» از زبان آگاهان و دلسوزان کم شنیده نشده، کاش فقط یک بار، متخصصان و صاحب‌نظران دور هم می‌نشستند و راهکاری پخته و تعیین‌کننده می‌دادند تا وزن واقعی و قد و قامت تفکر، هنر و ادبیات ایران زمین با ملتی که سابقه تمدنی دیرپا دارد، دوباره دنیا را به خود معطوف کند! صد البته که حافظ و سعدی و مولانا و نظایر آنها تکرارناپذیرند اما نباید دستمان در جهان جدید تا این حد خالی باشد که ترجمه‌های ادبی کم‌عمق و فیلم‌های محتواگریز و محصولات تولید شده در آن سوی مرزها با چاشنی و سفارش تخریبی و سیاسی به داخل کشور سرازیر شود و هیچ خبری از کنش سریع و خنثی‌کننده با زبان و قدرت فرهنگ و هنر، نباشد! ضعف است یا بی‌تفاوتی، فرقی نمی‌کند... هر دو آسیب است.

جهان جدید فناوری و سیاست و رسانه در اختیار دارد و مسیرهای سخت را با لطایف‌الحیل می‌پیماید، دست روی دست بگذاریم از بیراهه «تحمیل و تحمیق» کارش را جلو می‌برد، بنابراین باید در راهبرد فرهنگی و رسانه‌ای قوی شد! این اتفاق به اراده جدی مسئولان فرهنگی و همراهی و همدلی جامعه هنرمندان و اندیشه‌ورزان نیاز دارد. اگر می‌خواهیم طعمه دنیایی نباشیم که آدم‌ها را- متحد‌الشکل- در قالب ربات می‌بیند، باید کاری کنیم!

حمید هنرجو  
نویسنده و پژوهشگر فرهنگی